

مطالعات تاریخی جنگ؛ نشریه علمی؛ مقاله علمی - پژوهشی
دوره چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۳)، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱-۲۴

تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر تحولات سیاسی، فکری و نظامی جنبش جنگل

عباس پناهی*

چکیده

یکی از مهم‌ترین پایه‌های فکری و سیاسی جنبش جنگل، ایدئولوژی اتحاد اسلام بود. جنگلی‌ها تلاش داشتند تا از حمایت عثمانی جهت کاستن فشار روسیه و انگلستان بهره‌برداری کنند؛ اما بعدها در عرصه عمل، کوچک خان اثبات نمود که حاضر به فروگذار کردن منافع ملی ایران به نفع ایدئولوژی عثمانی‌ها نبوده است. با توجه به این موضوع، این پرسش مطرح می‌شود که هیئت اتحاد اسلام، با چه انگیزه‌ها و اهدافی با جنبش جنگل در گیلان همگام شد و دستاوردهای جنگلی‌ها و اتحاد اسلام از این همکاری چه بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، شکست‌های سیاسی و فکری مشروطه‌خواهان آرمان‌گرا و ضد بیگانه از یک سو و تسلط روزافزون روسیه و انگلستان از سوی دیگر، موجب شد تا با حمایت روشنفکران متمایل به آلمان و عثمانی و با استفاده از ایدئولوژی اتحاد اسلام، جنگلی‌ها در گیلان از پشتوانه‌های اقتصادی، فکری و نظامی این گروه بهره‌مند شوند. با وجود پیوند جنگلی‌ها با ایدئولوژی اتحاد اسلام، کوچک خان اساس سیاست‌های خود را بر پایه استقلال ایران قرار داد؛ لیکن همکاری جنگلی‌ها با اتحاد اسلام را می‌توان تاکتیکی سیاسی از سوی آنها دانست. روش پژوهش در مقاله حاضر با تکیه بر رویکرد تاریخی، اسنادی و به شیوه مطالعه توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: اتحاد اسلام، ایدئولوژی، جنبش جنگل، عثمانی.

* دانشیار گروه تاریخ پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان apanahi@guilan.ac.ir

|تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳|

مقدمه

جنبش جنگل (۱۲۹۳-۱۳۰۰خ/ ۱۹۱۳-۱۹۲۰م)، یکی از قیام‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است که در مقطع حساسی از تاریخ ایران و جهان و اندکی پیش از شروع جنگ جهانی اول و زوال امپراتوری عثمانی شکل گرفت. در میانه راه، جنبش نیز شاهد وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه بود. ظهور و خیزش این جنبش بر پایه اندیشه و آرمان‌های برخی از مجاهدانی بود که با وجود استقرار مشروطیت در ایران، به جهت فشارهای روسیه، انگلستان و دیگر مدعیان داخلی و خارجی، دستاوردهای خود را در خطر تهدید دیده، لذا برای احیای استقلال ایران به دنبال کاهش نفوذ بیگانگان در ایران بودند.

پس از ناکامی مشروطه‌خواهان و نفوذ روزافزون روسیه و انگلستان و همچنین تبلیغات عثمانی و آلمان، اندیشه اتحاد اسلامی در میان ملیون ایران مورد توجه قرار گرفت و کوچک‌خان با همکاری برخی از شخصیت‌های گیلانی، ایدئولوژی اتحاد اسلام را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد.

ایدئولوژی اتحاد اسلام تا مرداد ۱۲۹۷خ. که در نتیجه، انشعاب و انشقاق پس از پیمان ترک مخاصمه بین جنگلی‌ها با انگلیسی‌ها روی داد، مهم‌ترین ایدئولوژی جنگلی-ها به شمار می‌رفت و در حقیقت تصمیم‌گیرنده اصلی سیاست‌های جنگلی‌ها، کمیته اتحاد اسلام بوده است. هیئت اتحاد اسلام جنگل، با ایده‌آلهایی که عثمانی‌ها در سر داشتند، دارای تفاوت‌هایی در عرصه واقعیت بوده است؛ زیرا واقعیت‌های سیاسی و نظامی جنبش جنگل در مسیری حرکت نمود که امکان اجرای طرح‌ها و اندیشه‌های عثمانی‌ها که به معنای سرسپردگی جنگلی‌ها به آنان بود، عملی نشد. در حقیقت، عثمانی‌ها جنبش جنگل را همچون جریانی جهت مشغول داشتن بخشی از نیروی نظامی روسیه به نفع منافع و سیاست‌های خود در اوایل جنگ جهانی اول ضروری می‌دانستند. اما از طرف دیگر، در آرمان‌ها و مرام‌نامه جنگلی‌ها، پیوند دو مفهوم انترناسیونالیسم و ایدئولوژی پان‌اسلامیسم، با ملی‌گرایی‌ای که جنگلی‌ها در روزنامه جنگل بارها به آن تأکید داشتند، همخوانی نداشت.

از سوی دیگر، آرمان جنگلی‌ها بر پایه دفاع از تمامیت ارضی ایران، استقلال و بیگانه‌ستیزی قرار داشت؛ از همین رو با تمایلات باطنی عثمانی‌ها که از اندیشه اتحاد اسلام به‌عنوان ابزاری جهت نفوذ در ایران سود می‌جستند، در تعارض بود. رفتار

سیاسی کوچک‌خان نشان می‌دهد که وی در تعامل با عثمانی‌ها و دیگر شرکای خارجی، به دنبال تأمین منافع جنگلی‌ها و ایران بوده است. هدف از انجام پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل نقش هیئت اتحاد اسلام بر فرایندهای سیاسی و نظامی جنبش - جنگل و بررسی نقش پان‌اسلامیسم بر فرایندهای سیاسی و نظامی جنبش جنگل است.

پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌ها در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله محمدعلی کاظم‌بیگی، با عنوان «انقلاب و رقابت در سواحل جنوبی دریای مازندران» که جنبش اتحاد ملی طبرستان و رابطه آن با جنبش اتحاد اسلام گیلان را مورد بررسی قرار داده است (کاظم‌بیگی، ۱۳۹۱: ۱۳-۷۷). ابوطالب سلطانیان نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی روند تغییر ایدئولوژی جنگل و پیامدهای آن» با آنکه به نقد گرایش جنگلی‌ها به بلشویسم تمرکز داشته، اما در بخشی از مقاله، به مسئله اتحاد اسلام و جنگلی‌ها و تأثیر آن‌ها زیر می‌پردازد (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۹۳-۱۱۲). محمدتقی میر ابوالقاسمی نیز در کتاب «دکتر حشمت و اندیشه‌ی اتحاد اسلام» به نقش اتحاد اسلام در جنبش با رویکردی توصیفی پرداخته است (میر ابوالقاسمی، ۱۳۶۹: ۱۶۷-۱۷۵). همچنین خسرو شاکری در کتاب «میلاذ زخم»، مسئله نفوذ هیئت اتحاد اسلام را بررسی کرده است؛ البته رویکرد شاکری در این کتاب با تأکید بر روابط جنگلی‌ها با بلشویک‌ها می‌باشد (شاکری، ۱۳۸۶). پژمان دیلمی در مقاله «عوام‌گرایان رشت» (اتابکی، ۱۳۷۴: ۱۷۰-۱۷۲) و «سیمای پنهان پوپولیست‌های رشت، ۱۳۹۸» به مسئله پان‌اسلامیسم و روابطشان با جنگلی‌ها با دیدگاهی انتقادی پرداخته است. مقاله‌های دیلمی، گفتار و رویکردی جدید درباره این موضوع ارائه می‌دهد. وی در مقالات خود، دیدگاه رایج درباره رویکردهای جنگلی‌ها به بلشویک‌ها و عثمانی را با تکیه بر اسناد آرشیوی، گزارش‌های سیاسی و خاطرات این زمینه، به چالش می‌کشد.

با توجه به مطالعاتی که انجام گرفته و همچنین اشاره‌ها و پژوهش‌هایی که محققان به آن‌ها اشاره نموده‌اند، نمی‌توان منکر تأثیر عمیق هیئت اتحاد اسلام بر شکل‌گیری جنبش جنگل شد؛ با وجود این، مسئله اصلی این است که هیئت اتحاد اسلام، با چه انگیزه‌ها و اهدافی با جنبش جنگل در گیلان همگام شد و دستاوردهای جنگلی‌ها و اتحاد اسلام از این همکاری چه بوده است؟ و یا آنکه، در برخورد با عثمانی‌ها، انگلیسی‌ها و دیگر نیروهایی

که هریک بر فرایندهای جنبش تأثیرگذار بودند، چه مواضعی نسبت به ایدئولوژی اتحاد اسلام اتخاذ نمودند؟ پرسش دیگری که مطرح است، اینکه؛ قفقازی‌ها چه تأثیری بر روابط جنگلی‌ها با اتحاد اسلام داشتند؟ مباحث مورد اشاره در مطالعاتی که به آن اشاره شده است، مورد بررسی قرار نگرفته است. از این‌رو، در تحقیق پیش‌رو، تلاش می‌شود تا مفروض‌های مورد اشاره و تأثیر پان‌اسلامیسم و منافع دو سویه جنگلی‌ها و عثمانی‌ها از گذر این ارتباط مورد پژوهش قرار گیرد.

تأثیر روسیه بر بحران‌های سیاسی گیلان مقارن شکل‌گیری جنبش جنگل

ریشه شکل‌گیری جنبش جنگل، از یک سو به تحولات داخلی ایران و از سوی دیگر به تحولات جهانی که مقارن با جنگ جهانی اول در جریان بود، بازمی‌گردد. هرچند شروع قیام پیش از حوادث جنگ جهانی اول بوده است، اما طلیعه رقابت‌های دولت-های بزرگ در ایران، موجب دلسردی ملیون و مجاهدان مشروطه را در ایران شد. در این میان، نفوذ بلامنازع روسیه در ایران و دلسردی ملیون از حکومت مرکزی که به استیصال در برابر روس‌ها مبتلا شده بود، موجب دور شدن نیروهای مبارز، به‌ویژه مجاهدان مشروطه از امید به آینده دولت‌های مشروطه بوده است (پرتو، ۱۳۹۱: ۷۷). پس از پذیرش اولتیماتوم روسیه از سوی مجلس، بر قدرت و نفوذ روسیه در مناطق شمالی ایران و آذربایجان افزوده شد و روس‌ها از این زمان تا وقوع جنگ جهانی اول و خیزش جنبش جنگل، به‌ویژه در گیلان، دیگر اعتنایی به دولت ایران نداشتند و برای ایجاد وحشت در بین مردم و آزادی‌خواهان به کشتار، زندانی و تبعید آن‌ها پرداختند. از این زمان تا انحلال مجلس دوم و اولتیماتوم روسیه به دولت، اوضاع گیلان به شدت بحرانی بود؛ زیرا روس‌ها در ظاهر برای حمایت از اتباع و کنسولگری خود حضور فعال نظامی در رشت و انزلی داشتند و حاکمان گیلان را در تنگنا قرار می‌دادند (پرتو، ۱۳۹۱: ۶۹-۷۲).

روس‌ها برای مهار بیشتر گیلانیان و ترساندن آزادی‌خواهان، نخست در دی‌ماه ۱۲۹۰ خ. تعداد زیادی از آزادی‌خواهان عصر مشروطه و مجاهدانی نظیر: اسماعیل شیشه‌بر، حاج میرزا خلیل رفیع، فتح‌الله‌خان کلانتر، آقا سید عبدالوهاب صالح (رئیس انجمن ولایتی) و عده‌ای دیگر را بازداشت نمودند و تعدادی از آن‌ها را به زندان بادکوبه فرستادند؛ اما عده‌ای از این افراد پس از پادرمیانی کنسول ایران آزاد شدند.

اندکی بعد روس‌ها با به دار آویختن کاظم‌خان، ملاعزیز شریعتمدار کرگنرودی، میرزایوسف‌خان سرتیپ جوبنه‌ای و صالح‌خان رسیدچی‌باشی در بهمن‌ماه ۱۲۹۰ خ، بر وحشت خود در گیلان افزودند (فخرایی، ۱۳۶۸: ۱۶۸). همچنین با تبعید آزادی‌خواهان و منع ورود تعدادی دیگر نظیر میرزا کوچک‌خان، سردار محیی و دیگران (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۵)، خواهان ایجاد شرایط مناسب سیاسی برای گیلان شدند تا رفته‌رفته این سرزمین را تبدیل به ایالتی روسی کنند (کاوه‌شالدهی، ۱۳۹۷: ۵۴). روس‌ها با تجربیاتی که از دوره مشروطه به‌دست آورده بودند، به این نتیجه رسیدند که سیاست مسالمت‌آمیز در برابر گیلانیان، موجب تضعیف موقعیت آنان در گیلان می‌شود. از این‌رو، با هدف کشتار آزادی‌خواهان گیلانی و تسلط بر اوضاع، سیاست پیشگیرانه‌ای را اختیار نمودند. درحالی‌که این سیاست آنان موجب شکل‌گیری هسته مقاومت توسط جنگلی‌ها در برابر آنان شد. در واقع، خیزش جنبش جنگل، خواب آرام روس‌ها را در گیلان آشفته ساخت.

گرایش جنبش جنگل به هیئت اتحاد اسلام

بیشتر گزارش‌های سیاسی و حتی تحلیل‌هایی که درباره چگونگی مناسبات کوچک‌خان و جنبش جنگل با اتحاد اسلام انجام گرفته است، بر نفوذ اندیشه اتحاد اسلام، به‌ویژه کمیته اتحاد اسلام گیلان بر فرایندهای سیاسی جنبش تا پیش از اعلام «جمهوری گیلان» تأکید دارند (فخرایی، ۱۳۶۸: ۹۶ و ۹۷). موضوعی که موجب شده است تا بر دامنه این حدس و گمان‌ها افزوده شود، حضور محدود نیروهای آلمانی و عثمانی در جنگل و کمک‌های تسلیحاتی بود که عثمانی‌ها در اختیار جنگلی‌ها نهاده و یا وعده آن را داده بودند (کشاوری، ۱۳۹۱: ۲۷۷؛ رور، ۱۳۸۰: ۱۷۴ و ۱۷۵). در نتیجه، برخی با استناد به این موارد، در مقطعی جنبش جنگل را مجری سیاست‌های عثمانی و آلمان در شمال ایران قلمداد نمودند (کشاوری، ۱۳۹۱: ۲۲۱؛ آلیانی، ۱۳۸۵: ۲۸). همین رویکرد، در تحلیل گرایش به بلشویک‌ها توسط جنگلی‌ها، به‌ویژه رهبر آن یعنی میرزا کوچک‌خان نیز وجود دارد (الهی، ۱۳۹۴: ۴۲۰).

درحالی‌که با استناد به روزنامه جنگل، اسناد آرشیوی، خاطرات جنگلی‌ها و برخی از منابع دست‌اول در این زمینه، می‌توان دلایل گرایش جنبش به ایدئولوژی‌های مختلف را به حوادث جهانی و داخلی ایران پیوند داد (پرستیس، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۷). از سوی دیگری،

جنگلی‌ها در فرایندهای سیاسی و نظامی خود در مسیری قرار گرفتند که روابط با عثمانی‌ها و بلشویک‌ها را به عنوان تاکتیکی برای مبارزه انتخاب کردند. از اواخر سده نوزدهم میلادی، به جهت فشار استعمارگران بر ملت‌های اسلامی، اندیشه اتحاد اسلامی توسط برخی از نواندیشان دینی از جمله سید جمال، رشیدرضا، محمد عبده و دیگران با هدف به چالش کشیدن قدرت استعماری اروپاییان مطرح شد (فخرایی، ۱۳۶۸: ۹۴). اندکی بعد، این اندیشه مورد حمایت سلطان عثمانی قرار گرفت (بیات، ۱۳۸۷: ۶). هرچند بعدها به دلیل تفاوت دیدگاه و نگرش‌های سید جمال با سلطان عثمانی، سید جمال از وی جدا شد (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۵۵). اقدامات عثمانی در جنگ جهانی اول نشان داد که آن‌ها در پی تحقق رویای پان‌ترکیسم بودند؛ لذا اندیشه اتحاد اسلام می‌توانست به‌عنوان بازوی تبلیغاتی و فکری آنان در جهت پیشبرد اهدافشان به کمک آنان بیاید (kia, 1996: 30-31).

پیش از اینکه عثمانی‌ها گام‌هایی در جهت جذب روشنفکران ایران نسبت به ایدئولوژی اتحاد اسلام بردارند، شاهزاده ابوالحسن میرزا قاجار معروف به «شیخ-الرئیس»، رساله‌ای تحت عنوان «اتحاد اسلام» در دفاع از این اندیشه با نقش محوری سلطان عبدالحمید دوم نگاشت و بر این عقیده بود: «تنها راه نجات دنیای اسلام و رهایی از چنگ استعمارگران، گرد آمدن زیر پرچم سلطان عثمانی است» (عنایت، ۱۳۷۲: ۲۱۴). با این حال، شروع عملی تبلیغات عثمانی‌ها در ایران، به سال‌های مقارن با جنگ جهانی اول بازمی‌گردد (نصیری‌مقدم، ۱۳۷۴: ۴۹-۵۰). پس از تعطیلی مجلس دوم و تسلط روسیه بر شمال و مرکز ایران، دولت عثمانی دو نماینده به نام‌های بهاء‌بیک و روشنی بیک را به تهران اعزام نمود تا با توجه به فضای سیاسی حاکم بر ایران، اندیشه اتحاد اسلامی را در ایران بسط و گسترش دهند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۳۵؛ بهار، ۱۳۷۱: ۱۶۷). اعزام این دو سفیر، نشان‌دهنده دوران‌اندیشی عثمانی‌ها نسبت به مسائل ایران است. آن‌ها مورد استقبال دموکرات‌ها قرار گرفتند و برخی از چهره‌های برجسته دموکرات نظیر: محمدرضا مساوات، سید حسن مدرس، سید محمد کمره‌ای، میرزا طاهر تنکابنی، ادیب‌السلطنه سمیعی و سید یحیی ندامانی، جلسه‌هایی مخفی جهت تبادل نظر و ارائه دیدگاه‌های خود تشکیل دادند (فخرایی، ۱۳۶۸: ۲۳). کوچک‌خان از طریق میرزا طاهر تنکابنی با هیئت اتحاد اسلام آشنا شد (فخرایی، ۱۳۶۶: ۲۲-۲۳، گیلک، ۱۳۷۱: ۱۳۵)؛ لذا با توجه به شرایط بحرانی کشور و مذاکراتی که بین کوچک-

خان، میرزا طاهر، سید حسن مدرس و سید ابوالقاسم لیمانجویی صورت گرفت، برآیند این مذاکرات، انجام مبارزات مسلحانه در شمال کشور علیه روسیه و انگلستان بود (کشاوری، ۱۳۹۱: ۱۴۱). اسناد و مدارک، گواهی بر این مسئله دارند که آلمانی‌ها و عثمانی‌ها تلاش داشتند تا از روحیه ضد روسی و انگلیسی ایرانیان جهت مبارزات مسلحانه به نفع پیشرفت خود سود جویند. کسمایی حتی در خاطرات خود گزارش می‌کند که سفرای آلمان و عثمانی به صورت مخفیانه در جلسات ملیون در تهران شرکت می‌کردند (کسمایی، ۱۳۸۲: ۶۶). کمره‌ای نیز که از اعضای برجسته ملی و کمیته اتحاد اسلام بود، به این موضوع اشاره دارد (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۷۴ / ۱). تمایل آلمان و عثمانی، نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت جبهه جدید سیاسی و نظامی در ایران علیه روسیه و انگلستان بود. آن‌ها در صورت ایجاد چنین نیروی نظامی، می‌توانستند برنامه‌های خود را در جبهه غربی ایران عملی کنند.

بر پایه تصمیم کمیته ملیون کوچک‌خان جهت برپایی قیام، به همراه سردار فاتح به مازندران مأموریت می‌یابد (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ۲۷۲) اما مأموریت وی در کجور و تنکابن به شکست می‌انجامد؛ زیرا علاوه بر عدم تمایل سردار فاتح جهت ایجاد شورش، ترکیب اجتماعی و سیاسی کجور و تنکابن که در اختیار خوانین بزرگ، به‌ویژه خاندان سپهسالار تنکابنی بود، مانع خیزش توده‌ای در مازندران می‌گردد (افشاریان، ۱۳۹۶: ۶۴۶). به‌هرروی، کوچک‌خان در لاهیجان به همراه دکتر حشمت طالقانی، هسته اولیه مقاومت جنگل را شکل می‌دهند (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۱۴۷). کوچک‌خان در اردیبهشت ۱۲۹۳ خ، پس از ورود به رشت، به همراه تعدادی از رجال ملی و روحانی نخست به جهت عدم ایجاد حساسیت توسط روس‌ها، «جمعیت اتحاد اسلام» را تأسیس و پس از اعلام موجودیت «هیئت اتحاد اسلام»، به «کمیته اتحاد اسلام» نام‌گذاری کردند (روزنامه جنگل، ۲۱ شوال ۱۳۳۵). آن‌ها به جهت ممنوعیت برگزاری جلسات سیاسی توسط کنسولگری روسیه در رشت، نخست در قالب برگزاری جلسات روضه‌خوانی و عزاداری، پوششی برای فعالیت سیاسی خود ایجاد کردند و به یارگیری سیاسی پرداختند (کسمایی، ۱۳۸۲: ۵۱). کسمایی معتقد است: عنوان «جمعیت اتحاد اسلام» تنها در زمانی بود که این گروه به صورت مخفیانه به فعالیت می‌پرداخت، اما پس از اعلام موجودیت به «هیئت اتحاد اسلام» تغییر نام داد (کسمایی، ۱۳۸۲: ۵۲).

اندکی بعد، اکثریت ترکیب اعضای روحانی هیئت مورد اعتراض غیرروحانیون قرار گرفت و با اصرار آنان، چهره‌های غیرروحانی نیز در ترکیب این گروه جای گرفتند. آن‌ها در ادامه برای ایجاد استقلال سیاسی، شعبه «هیئت اتحاد اسلام گیلان» را به نام «کمیته اتحاد اسلام» تغییر دادند و اعضای آن به ۲۷ نفر افزایش یافت (فخرایی، ۱۳۶۸: ۹۶). تغییرات اولیه در بحث تشکیلات اتحاد اسلام گیلان، نشان‌دهنده روحیه عدم وابستگی جنگلی‌ها به عثمانی در همان بدو تأسیس جنبش بود (کسمایی، ۱۳۸۲: ۵۱)؛ زیرا آنان در مرام‌نامه خود آزادی و استقلال ایران را از اصول اولیه خود قرار داده بودند.

کمیته اتحاد اسلام در مرداد ۱۲۹۷ خ، پس از توافق جنگلی‌ها با انگلیسی‌ها و مناقشات سیاسی درون‌گروهی که نتیجه آن منجر به اخراج آلمانی‌ها و عثمانی‌ها از جنگل و جدا شدن حاج احمد کسمایی و جناح محافظه‌کار از جنبش شد (صبوری‌دیلمی، ۱۳۹۴: ۱۱۲)، نام خود را به «اتحاد ایران» تغییر داده و بدین ترتیب با پان‌اسلامیسم وداع کردند. دیلمی معتقد است: حوادث پس از توافق جنگلی‌ها با انگلیسی‌ها، به‌گونه‌ای رقم خورد که دیگر جایی برای محاذه‌کاران، چهره‌های مذهبی و روحانیون در ترکیب جنگلی‌ها باقی نگذاشت. در نتیجه، از این زمان به بعد، روحانیون در صف جنگلی‌ها دیده نمی‌شوند (دیلمی، ۱۳۹۸: ۴۸). هرچند چنین فرجامی برای جنگلی‌ها که به‌منظور استفاده از ظرفیت سیاسی و نظامی عثمانی اتحاد نامقدس با ایدئولوژی پان‌اسلامیسم برقرار کردند، قطعی به نظر می‌رسید؛ با این وجود نمی‌توان از نقش انگلیسی‌ها، قفقازی‌ها و مخالفان دولت‌های محور که تلاش داشتند با هر ابزاری از نفوذ آلمان و عثمانی در ایران جلوگیری کنند، غافل ماند (رور، ۱۳۸۰: ۱۷۸).

تأثیر اتحاد اسلام بر ایدئولوژی جنبش جنگل

با وجود تشکیل کمیته اتحاد اسلام، جنگلی‌ها با ارائه آرمان‌های خود در مرام‌نامه، هرگونه شائبه وابستگی را از خود دور نمودند. جنگلی‌ها ایدئولوژی خود را در روزنامه جنگل بر «استقلال ایران، اصلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلات دولتی و ...» قرار دادند (روزنامه جنگل، س اول، ش ۲۸) این بخش از مرام‌نامه، نشان‌دهنده ایدئولوژی ملی‌گرایی جنگلی‌ها در برابر ایدئولوژی امت‌گرایی مورد تأیید عثمانی‌ها - است. آنان برای تأکید بر سیاست‌های ایران‌گرایی و وطن‌خواهانه خود، در روزنامه

جنگل بیان می‌کنند: «به حکم این که ما ایرانی هستیم و مسئول و وظیفه‌دار حفظ این آب و خاک، ایران وطن مقدس ایرانیان در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است، بعد از موفقیت به انجام وظیفه ایرانیت، البته برادران اسلامی بر دیگران مقدم خواهند بود» (روزنامه جنگل، س اول، ش ۲۸).

با توجه به اساسنامه و مرامنامه جنگلی‌ها و همچنین بیانیه‌هایی که توسط آن‌ها در روزنامه جنگل به چاپ می‌رسید، مؤلفه‌های ملی‌گرایی، استقلال ایران، دفع اجانب، راحت ملت، محو ظلم و استبداد، ریشه‌کنی خیانت و وطن‌خواهی بر مؤلفه‌هایی که مبتنی بر امت‌گرایی اتحاد اسلام قرار داشت، برجسته‌تر بوده است. به جهت اینکه اغلب اعضای کمیته اتحاد اسلام گیلان از علمای برجسته و همچنین روشنفکران و مجاهدان مشروطه بودند، آن‌ها با ذکاوت به تلفیق آرمان‌های دینی با مفاهیم مدنی نوین پرداختند و با این برداشت‌های نوین، تلاش داشتند به حرکت خود در برابر بیگانگان از یک‌سو رنگی دینی داده و از سوی دیگر به تقویت مبانی نظری مدنیت، حقوق اساسی و مشروطه پردازند. به گفته گیلک: آنان عدالت‌خواهی، حمایت از فقرا و آزادی را از یک‌سو مایه خشنودی پیامبر دانسته و از سوی دیگر، عامل تقویت استقلال کشور می‌دانستند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۶۰).

پس از تشکیل کمیته اتحاد اسلام در گیلان، آن‌ها روابط خوبی با شعبه تهران که حلقه و عامل اتصال آنان با عثمانی بودند، برقرار کردند (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۱/ ۷۴). با وجود اینکه هیئت اتحاد اسلام شعبه تهران، شاخه‌ای از اتحاد اسلام عثمانی است، این شائبه مطرح می‌شود که عثمانی‌ها با توجه به گام‌هایی که جنگلی‌ها جهت مبارزه با انگلستان و روسیه برداشته بودند، تا چه میزان توانسته‌اند از نظر ایدئولوژیکی و فکری بر جنگلی‌ها تأثیرگذار باشند؟ و از سوی دیگر، کمک‌های تسلیحاتی آن‌ها چه تأثیری بر کامیابی‌ها جنگلی‌ها داشت؟ گزارش‌های سیاسی و یافته‌ها نشان می‌دهد، با توجه به اینکه کمیته اتحاد اسلام به عنوان هیئت عالی فکری و ایدئولوژیکی جنبش بوده است، پیوندهای فکری این دو گروه غیرقابل‌انکار می‌باشد؛ اما رفتار سیاسی و نظامی جنگلی‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها وفاداری ایدئولوژیکی به عثمانی‌ها نداشته‌اند.

همسویی و مواضع سیاسی و نظامی عثمانی با جنگلی‌ها

با توجه به موضع‌گیری‌های وطن‌خواهانه و احساسات ضدبیگانه جنگلی‌ها، چنین به نظر می‌رسد که عثمانی‌ها دورنمای مثبت و امید‌چندانی نسبت به ادامه همکاری با جنگلی‌ها نداشتند. با این حال بر پایه اسناد و گزارش‌های موجود، با وجود آگاهی دولت عثمانی از این رویکرد جنگلی‌ها، آنان نه تنها مایل به قطع روابط با جنگلی‌ها نشدند، بلکه به تداوم و تقویت همکاری با آن‌ها ادامه دادند. بر پایه این گزارش‌ها، مأموران مخفی عثمانی در همان اوان شکل‌گیری جنبش جنگل در رشت (۱۳۳۳ق. / ۱۹۱۴م.)، فعالیت‌های چشمگیر داشتند. برای این مدعا می‌توان به حضور عثمان‌بیگ در رشت اشاره نمود که کنسول روسیه در رشت خواهان اخراج وی شد (سند ش، ۳۸۱ / ۶۳۷۰). فعالیت نظامی جنگلی‌ها در گیلان، موجب مشغول شدن بخش بزرگی از نیروی نظامی روسیه در منطقه می‌شد؛ در نتیجه عثمانی‌ها بدون دغدغه می‌توانستند سیاست‌های گسترش ارضی خود را در غرب ایران، ارمنستان، گرجستان، اران و شروان عملی سازند. از این رو، هنگامی که کوچک‌خان هیئت‌ی را مخفیانه جهت ارسال اسلحه و مهمات در نوامبر ۱۹۱۵ / ۱۳۳۴ه.ق به سفارت عثمانی در تهران جهت ارسال اسلحه و مهمات فرستاد، از این هیئت به گرمی استقبال شد (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۸). تمایل جنگلی‌ها برای ایجاد اتحاد با دولت عثمانی موجب شد تا وابسته نظامی سفارت، عمر فوزی این موضوع را به اطلاع وزیر جنگ انور پاشا برساند و او نیز نماینده‌ای به نام حسین‌افندی به همراه سیصد قبضه تفنگ و فشنگ و هدایای دیگر برای جنگلی‌ها ارسال کند. وی وعده داد که در آینده کمک‌های تسلیحاتی دیگری نیز برایشان ارسال خواهد کرد. همچنین علی‌اکبر کلیایی مأمور شده بود تا یک عراده توپ عثمانی را از تبریز تحویل گرفته و به جنگلی‌ها برساند، هرچند وی موفق به انجام این مأموریت نشد (فخرایی، ۱۳۶۸: ۹۱).

در نتیجه این ملاقات برخی از نظامیان ترک وارد تشکیلات جنگل شدند و مدت‌ها نیز در بین نیروهای جنگلی به آموزش آن‌ها اشتغال داشتند. برخی از دشمنان عثمانی‌ها و جنگلی‌ها نظیر دنسترویل معتقدند که عثمانی‌ها با انگیزه تحریک جنگلی‌ها علیه انگلیسی‌ها اسلحه و مهمات را به صورت مجانی در اختیار آنان قرار داده بودند تا از این طریق انگلیسی‌ها در فشار قرار گیرند (دنسترویل، ۱۳۶۲: ۱۳۲). رور نیز در خاطرات خود به این شک و شبهه دامن می‌زند که حضور این نظامیان موجب خرسندی جنگلی‌ها بوده است، اما نمی‌توان به یقین گفت که میرزا تا چه میزان از ورود نیروهای عثمانی

به همراه تسلیحات به جنگل راضی است (رور، ۱۳۷۸: ۱۷۸). این گزارش‌ها و تحلیل‌ها با قاطعیت از سوی جنگلی‌ها رد شده است. به گزارش منابع و خاطرات جنگلی‌ها، کوچک‌خان در برابر دریافت اسلحه و مهمات، هزینه آن‌ها را به عثمانی‌ها پرداخت کرده است. شاکری تأکید می‌کند که کوچک‌خان در مقابل دریافت کمک‌های تسلیحاتی ترک‌ها، پول زیادی پرداخت نموده است. وی به محل به دست آمدن این مبلغ نیز اشاره کرده است (شاکری، ۱۳۸۶: ۸۵ و ۱۷۲). حاج احمد کسمایی که به‌عنوان یکی از اعضای اصلی کمیته اتحاد اسلام و تأمین‌کننده منابع مالی جنگلی‌ها شناخته می‌شود و با وجود اینکه هنگام نگارش خاطرات خود به‌عنوان فرد مغربی به نظر می‌آید، اما روایت زنده-ای از این ماجرا ارائه می‌دهد که به نظر می‌رسد از سایر گزارش‌های موجود صحیح‌تر باشد. وی می‌نویسد: از نظر کمیت، تعداد خارجی‌ها در بین جنگلی‌ها هیچ وقت از ده بیست نفر بیشتر نبوده است و هیچ‌کدام نیز در جنگ‌های ما شرکت نکردند و تنها وظیفه پشتیبانی و لجستیکی از جنگلی‌ها را بر عهده داشتند (کسمایی، ۱۳۸۲: ۴۵). دسترویل نیز به مسئله تأمین اسلحه جنگلی‌ها از سوی عثمانی‌ها اشاره دارد، اما به چگونگی تهیه آن اشاره نمی‌کند (دسترویل، ۱۳۶۲: ۱۶۶).

هدف کوچک‌خان از این اقدام، دور نمودن شائبه تسلط و حمایت همه جانبه عثمانی از جنبش بوده است. یکی از کسانی که به نظریه سرسپردگی کوچک‌خان به عثمانی‌ها و آلمانی‌ها می‌تازد، گیلک است. وی معتقد است: آرمان جنگلی‌ها ایجاد نهضتی ضد بیگانه و تمامیت ارضی ایران است؛ در نتیجه میرزا به‌هیچ‌وجه نمی‌توانست خلاف آرمان‌های خود گام بردارد (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۳۵). شاید به همین دلیل و اتهام-های دیگر باشد که جنگلی‌ها سرانجام تصمیم گرفتند نام کمیته رهبری خود را از «هیئت اتحاد اسلام» به جریانی مبتنی بر ایران‌گرایی و ضد بیگانه به‌نام «اتحاد ایران» تغییر دهند و با این انتخاب هرگونه شائبه مبنی بر ارتباط ایدئولوژیکی با عثمانی‌ها را از سر راه بردارند (دیلمی، ۱۳۹۸: ۲۴ و ۴۸). باین‌حال این مسئله موجب قطع همکاری جنگلی‌ها با نیروهای آلمانی و عثمانی نشد؛ زیرا از نظر تاکتیکی، جنگلی‌ها نیاز مبرمی به حمایت‌های تسلیحاتی و سیاسی عثمانی‌ها داشتند. دیلمی معتقد است: این مسئله موجب تداوم اتهام وابستگی جنگلی‌ها به عثمانی شد (دیلمی، ۱۳۹۸: ۲۵). از سوی دیگر، عثمانی‌ها نیز گام‌هایی عملی جهت کمک به جنگلی‌ها برداشتند. کوچک‌خان سرانجام در پی اقدام‌های آشکار عثمانی‌ها و تجاوزهای مکرر آنان به کرمانشاه، آذربایجان

و جنایت‌هایی که در آن پهنه مرتکب شدند، امید اتحاد و وابستگی سیاسی با دولت هم‌کیش را از دست داد و باقی‌مانده صاحب منصبان عثمانی را نیز از جنگل اخراج نمود (کرگه، ۱۳۷۸: ۴۲۶). براساس گزارش‌های روزنامه جنگل و شاهدان عینی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش جنگل و شخصیت کوچک‌خان تکیه وی بر محور ایرانی‌ت و ایرانی‌گرایی در برابر بیگانه‌گرایی بوده است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۳: ۹۳). همین مسئله موجب شده است تا با تغییر رویه عثمانی‌ها به ایران و اشغال و کشتار مردم، دیدگاه کوچک‌خان از ادامه همکاری با آنان تغییر کند. به عقیده رواسانی، همین رویکرد کوچک‌خان نشان می‌دهد گرایش اتحاد اسلام جنبش جنگل، وابسته به جریان اتحاد اسلام جهانی مورد حمایت عثمانی نبوده است (رواسانی، ۱۳۸۹: ۹۴). دیلمی نیز بر این عقیده است، هجوم‌های عثمانی در مناطق غربی و آذربایجان و همچنین کامیابی‌های آنان در باکو، باعث شد تا مقاصد توسعه‌طلبی عثمانی‌ها در ایران بیش‌ازپیش آشکار شود و همین مسئله یکی از دلایل مصالحه کوچک‌خان با انگلیسی‌ها بوده است (دیلمی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). پیش‌ازاین ماجرا، نیروی نظامی عثمانی از جنگلی‌ها جهت تصرف باکو نیز درخواست کمک نمودند، درحالی‌که کوچک‌خان به جهت دلبستگی به بلشویک‌ها و سوسیال‌دموکرات‌های باکو از همکاری با عثمانی‌ها سر باز زد (دیلمی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). این موضوع نشان می‌دهد که کوچک‌خان چندان دلبستگی به عثمانی‌ها نداشت.

یکی از نشانه‌ها و دلایل استقلال فکری کوچک‌خان در برابر عثمانی‌ها، پاسخ منفی وی به درخواست سفیر عثمانی مبنی بر پیوستن کامل به ارتش عثمانی بود. بر پایه اسنادی که شاکری به آن دسترسی داشته است، عیدالله سفیر عثمانی در نامه‌ای از کوچک‌خان درخواست نمود تا با یک نیروی ده هزار نفری به ارتش عثمانی در همدان ملحق شود و از این طریق به سلاح و نیروی نظامی و پول دست پیدا کند (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۷۵). پاسخ کوچک‌خان به این پیشنهاد منفی بود. وی حتی در مقابل پیشروی ترک‌ها در همدان و کرمانشاه زبان به اعتراض می‌گشاید و با تندی به سفیر عثمانی می‌نویسد: «در وضعیت کنونی به عقیده من مسئله اساسی و ضروری تأمین وحدت گیلان، آذربایجان و قفقاز است و من این را مهم‌ترین گام می‌دانم» (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۷۶). عثمانی که به‌دقت جنگلی‌ها را به‌وسیله جاسوسان خود زیرنظر داشت، عامدانه خواهان عدم اصرار جنگلی‌ها بر مواضع استقلال‌طلبی‌شان بود.

جنگلی‌ها در یکی از بیانیه‌های خود، به روشنی دلایل اتحاد سیاسی با دولت‌های خارجی را این‌گونه در روزنامه جنگل اعلام می‌کنند: «ما مملکت خود را از تعرض دیگران محفوظ می‌خواهیم هرکه به ما تجاوز کرد خصم خود می‌دانیم هر که به ما رحمتی رسانید با او صمیمانه دوست خواهیم بود. هرکس به مملکت ما سوق قشون نموده، بی‌طرفی ما را نقض نماید او را متعدی و متجاوز خواهیم دانست، خواه روس و انگلیسی باشد، خواه عثمانی و آلمانی» (روزنامه جنگل، س ۲، ش ۳)

در ادامه همین سیاست، یک‌سال بعد در یکی از شماره‌های روزنامه جنگل آن‌ها با تأکید بر اعلام مواضع پیشین خود درباره دلایل گرایش به اندیشه اتحاد اسلام، شرح مفصلی با تکیه بر استقلال ایران از مواضع خود ارائه می‌دهد (روزنامه جنگل، س ۳، ش ۲). در این بیانیه، تأکید می‌شود، جنگلی‌ها ایرانیت را مقدم بر اسلامیت فرض کرده و دلیل گرایش به این نحله سیاسی را استفاده از ظرفیت‌های سیاسی موجود دنیای اسلام جهت مبارزه با استعمارگران می‌دانستند. با وجود این، عثمانی‌ها از این دیدگاه‌های جنگلی‌ها آگاهی داشتند. نیروهای سیاسی و نظامی عثمانی به دلیل شرایط جنگ جهانی اول و در فشار قراردادن روسیه، به روابط حداقلی با جنگلی‌ها دلخوش بودند؛ در نتیجه عثمانی‌ها می‌توانستند به سیاست‌های خود در قفقاز و خاورمیانه جامعه عمل بپوشانند.

سیاست انگلیسی‌ها در برابر جنگلی‌ها و عثمانی

تضعیف پایگاه سیاسی و نظامی انگلیسی‌ها در گیلان یکی از اهداف همکاری عثمانی‌ها با جنگلی‌ها بوده است (غنی، ۱۳۷۷: ۸۳-۸۴)؛ زیرا انگلیسی‌ها در بازی‌های سیاسی و نظامی گیلان و قفقاز پس از سقوط امپراتوری تزاری نقش فعالی داشتند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۴). از سوی دیگر، سیاستمداران عثمانی نیز در تلاش بودند تا پس از کم شدن سایه نفوذ حکومت تزاری از قفقاز، سراسر این منطقه را بر اساس سیاست‌های پان‌ترکیستی اشغال کنند (بیات، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰).

رویدادهای پس از سقوط حکومت تزاری در ایران و قفقاز و خروج نیروهای روسی از ایران، موجب نگرانی انگلستان شد؛ زیرا با به خطر افتادن قفقاز، احتمال تسلط عثمانی بر این مناطق دور از انتظار نبود. این واکنش انگلیسی‌ها بی‌مورد نبود؛ زیرا به فاصله کمی دو حکومت متفاوت در آران و شروان، یکی مساواتیست‌ها تحت عنوان جمهوری آذربایجان که به عثمانی گرایش داشتند و حکومت بلشویک به رهبری

شائومیان خطری جدی در برابر سیاست‌های انگلستان در قفقاز و ایران بود (گیلک ۱۳۷۱: ۸۸ - ۹۴). از سوی دیگر، افزایش قدرت بلشویک‌ها که با ادامه شرکت روسیه در جنگ بین‌الملل اول مخالف بودند، موجب گردید تا انگلیسی‌ها به منظور ایجاد یک سد دفاعی یا «کمر بند بهداشتی» در مقابل روس‌های کمونیست، حفظ ارتباط با نیروهای ضد انقلاب و تصرف قفقاز، همگام با نیروهای روس تزاری به رهبری بیچراخف که از بقایای نیروهای باراتف در ایران بودند، نیروهای خود را به رهبری ژنرال دنسترویل به رشت و از آنجا به باکو اعزام کنند (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۵۳ - ۳۵۴) اقدام نظامی گروه دانستروفورس به گیلان و قفقاز، در حقیقت نخستین نبرد نفتی در خاورمیانه و قفقاز را در اوایل سده بیستم میلادی با هدف عدم دستیابی عثمانی‌ها رقم زد. این اقدام نیروهای انگلیسی از خاک گیلان، منجر به هزینه‌های فراوانی برای آن‌ها شد؛ زیرا جنگلی‌ها معتقد بودند در صورتی که مسیر گیلان مورد استفاده انگلیسی‌ها قرار گیرد، روس‌ها (بلشویک‌ها) به این بهانه، مجدداً به گیلان لشکرکشی خواهند کرد. با توجه به تحولات آینده، این پیش‌بینی جنگلی‌ها نشان داد آن‌ها به دلیل تجربه تاریخی خود، به درستی از سیاست‌های زمامداران روسی آگاه بودند. از سوی دیگر، عثمانی‌ها و متحد آلمانی‌شان، تلاش داشتند تا با ایجاد موانع گوناگون، از پیشروی انگلیسی‌ها به قفقاز و باکو جلوگیری کنند (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۸۹). به همین دلیل، افسران آلمانی و عثمانی نقش فعالی در نبرد منجیل (۴ رمضان ۱۳۳۶ / ۱۴ خرداد ۱۲۹۷) داشتند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۰۵-۱۰۷). در پی شکست نیروهای جنگلی در نبرد منجیل، آن‌ها مجبور به پذیرش آتش‌بس با انگلیسی‌ها و عدم تعرض به آن‌ها شدند. یکی از مواد توافق آتش‌بس بین نیروهای جنگل و انگلیسی‌ها، اخراج نیروهای عثمانی از جنبش جنگل بود (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۸۹). به گفته فخرایی، پس از این توافق، دیگر دلیلی برای حضور نیروی نظامی عثمانی در جنگل نبود (فخرایی، ۱۳۶۸: ۹۱).

این اولتیماتوم انگلیسی‌ها به جنگلی‌ها مبنی بر اخراج عثمانی‌ها، شامل تمامی خارجیان می‌شد که در جنگل حضور داشتند؛ زیرا در قرارداد ۲۲ مرداد ۱۲۹۷ خ. بین نمایندگان نهضت جنگل و نمایندگان ارتش انگلستان، موافقت شده بود تا از نیروی مخالف انگلستان توسط جنگلی‌ها استفاده نشود و در ماده ۲ آمده بود: «نمایندگان اتحاد اسلام متعهد می‌شوند صاحب‌منصبان خارجی را اخراج نموده و از دولت‌هایی که با انگلستان در حال جنگ هستند، صاحب‌منصب استخدام نکنند» (کسمایی، ۱۳۸۲: ۳۵).

بنا به گزارش‌های سیاسی، پس‌ازاین قرارداد، چند تن از افسران آلمانی اتریشی و ترک عثمانی جنگلی‌ها را ترک کردند (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۹۴).

پیامد شکست جنگلی‌ها از انگلیسی‌ها، ورود نیروهای بیچراخف و ژنرال دنسترویل به رشت و انزلی و سپس باکو بود (بیات، ۱۳۸۸: ۱۳۶). این نیروها، حکومت بلشویکی شائومیان را برانداختند و حکومت هیأت‌مدیره بحر خزر را تحت نظر و نفوذ انگلیسی‌ها به‌وجود آوردند (فخرایی، ۱۳۶۸: ۱۳۵). هرچند حکومت یاد شده دوامی نیافت و پس از فشارهای نیروهای عثمانی و بلشویک‌ها منحل شد و پس از توافقی که بین نیروهای انقلابی روسیه و نیروهای عثمانی به رهبری مصطفی کمال پاشا به عمل آمد، در ۲۰ آوریل ۱۹۱۸ حکومت جمهوری کمونیستی آذربایجان رسماً اعلام گردید و نیروهای انگلیسی و دنیکین نیز به انزلی عقب‌نشینی کردند (فخرایی، ۱۳۶۸: ۱۳۶). البته بر پایه شواهد و مدارک، چنین به نظر می‌رسد، نیروهای دانسترفورس مأموریت داشتند تا با مشغول نگه‌داشتن نیروهای عثمانی، مانع دستیابی سریع آنان به چاه‌های نفت قفقاز شوند و از سوی دیگر، به تحکیم موقعیت خود در جبهه بین‌النهرین بپردازند و پس از تأمین منافع خود، به ایران عقب‌نشینی کنند. با توجه به حوادث آینده ایران، قفقاز، خاورمیانه و جنگ جهانی اول، به نظر می‌رسد انگلیسی‌ها با اشغال گیلان و قفقاز، موفق به انجام مأموریت و طرح‌های خود شدند؛ زیرا آن‌ها در مرحله نخست توانستند با مرعوب نمودن جنگلی‌ها، زمینه‌های اخراج آلمانی‌ها و عثمانی‌ها را از جنگل فراهم نمایند و از سوی دیگر با تصرف باکو، مانع تصرف عثمانی‌ها بر این منطقه استراتژیک شوند. انگلیسی‌ها پس از نزدیک شدن بلشویک‌ها به باکو و قطعیت بر شکست عثمانی، نخست باکو و سپس گیلان را تخلیه نمودند و با این اقدام تاکتیکی، مانع اجرای نقشه‌های آلمان و عثمانی در این منطقه شدند.

تحلیل دیدگاه قفقازی‌ها درباره هیئت اتحاد اسلام در جنبش جنگل

با وجود هم‌دلی‌های فکری و ایدئولوژیکی جنبش جنگل با عثمانی‌ها و بسط ایدئولوژی اتحاد اسلام با هدف رهایی از روسیه و انگلستان، برخی از گروه‌های فکری و شخصیت‌های قفقازی به این رویکرد جنبش روی خوش نشان ندادند و همین مسئله یکی از دلایل عدم پیوستن فعالان ارمنی و گرجی به جنبش جنگل بوده است؛ زیرا بخش اعظم سرزمین ارمنستان و گرجستان، زیر چکمه سربازان عثمانی بوده است.

چنین به نظر می‌رسد، عثمانی‌ها قصد داشتند تا پس از کسب موفقیت‌های سیاسی و نظامی در قفقاز و ایران، این سرزمین‌ها را به‌طور دائم تبدیل به بخشی از قلمرو خود کنند (بهار، ۱۳۷۱: ۱/ ۴۷). از این‌رو، رویکرد جنبش جنگل به ایدئولوژی اتحاد اسلام، روابط آن‌ها با کنسولگری‌های عثمانی و آلمان، دریافت کمک از کنسولگری عثمانی و حضور نظامیان عثمانی در بین قوای جنگل، با عقاید و مواضع ارمنی‌ها و گرجی‌های ناسیونالیست مغایرت داشت.

یکی از این شخصیت‌های ارمنی که در نوشته‌های خود به صورت واضح به مواضع و گرایش جنگلی‌ها به عثمانی و آلمان تاخته و به صورت پنهانی به نفع انگلیسی‌ها جاسوسی می‌کرد، یقیکیان است. با توجه به روح نوشته‌های وی، چنین برمی‌آید یقیکیان ارمنی ملی‌گرایی بوده است و برای رهایی ارمنستان و همچنین مبارزه با سیاست‌های دولت عثمانی، حاضر به همکاری با جنگلی‌ها نشده است. وی تلاش کرده است برای تأیید عقاید خود، دیدگاه‌های مخالفان عثمانی را با خود همراه کند. یقیکیان به نقل از نریمانوف می‌نویسد: «در مراجعت از باکو، نریمان نریمانوف از وی می‌خواهد که از میرزا کوچک بخواهد که افسران عثمانی، آلمانی، اتریشی را از جنگل بیرون کند. به عقیده وی، جنگیدن همراه آن‌ها بر ضد انگلیسی‌ها برای ایران سودی ندارد. هرکس می‌داند که توسعه نفوذ انگلیسی‌ها در ایران، هزاربار سودمندتر از توسعه نفوذ عثمانی‌ها است. دلیلش هم روشن است، عثمانیان برای نابودی استقلال و هستی و تمامیت ایران می‌کوشند و مردم را می‌چاپند و غارت می‌کنند برعکس، انگلیسی‌ها فقط خواهان نفوذ اقتصادی هستند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۲۱). شواهد و مدارک سیاسی نشان می‌دهد، علت وابستگی و تمایل او به سیاست‌های انگلستان، ناشی از تنفر از عثمانی بوده است. وی می‌پنداشت شاید گرایش ارمنی‌ها به انگلستان موجب نجات ارمنستان از عثمانی شود. در گزارش‌های دیگری نیز به صورت پوشیده و پنهان، یقیکیان سعی دارد با نشان دادن ناکارآمدی هیئت اتحاد اسلام، دشمنی خود را با عثمانی آشکار سازد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۲۵). هرچند گزارش‌های مستند دیگری از سایر گرجی‌ها و ارمنی‌ها درباره مواضع‌شان در برابر جنگلی در دست نیست، اما عدم مشارکت ارمنیان در جنبش جنگل، نشان‌دهنده همراهی جنگلی‌ها با مواضع عثمانی و بعدها بلشویک‌ها بوده است. با اینکه ارمنیان کمکی در اختیار کوچک‌خان قرار ندادند، اما وی در طول حیات سیاسی و

نظامی جنبش، نظامیان خود را از هرگونه تعرض به خارجیان، به‌ویژه ارمنی‌ها باز داشت.

به گزارش کوچک‌پور، پس از تصرف رشت توسط جنگلی‌ها، عده‌ای از مجاهدان تُرک، خانه‌های ارامنه رشت را مورد تعرض قرار دادند و به قتل و غارت آنان پرداختند، اما میرزا به محض آگاهی از این موضوع، سریعاً از اقدامات آن‌ها جلوگیری می‌کند و پس از برخورد با عثمان افندی، به وی تأکید می‌کند: «شما ماجرای جنگ ارمنی و مسلمان را تازه کرده‌اید شما دشمنان مشترک ما را که انگلیسی‌ها هستند و در دو قدمی ما سنگربندی و عده‌ای از هم‌وطنان ما را به خاک و خون کشیده‌اند رها کرده‌اید عده‌ای از ارامنه را [که] بی‌پناه و بی‌دفاع هستند می‌خواهید انتقام بگیرید این عملیات شما ضربت بزرگی بر ما وارد کرده است و دیگر به وجود شما در رشت احتیاجی نیست. فوری با همراهان باید به جنگل بروید به آن‌ها مجال صحبت نداد و روانه جنگل نمود» (کوچک‌پور، ۱۳۶۸: ۱۳). هدف کوچک-خان از سرزنش نیروهای عثمانی و حمایت از ارمنی‌ها، تأکید وی بر عدالت‌گستری و آرمان‌های جنگلی‌ها، مبنی بر حفظ حقوق انسانی اقلیت‌ها و تمامی گروه‌های قومی در گیلان و ایران بر اساس مرامنامه جنگل بوده است.

تقابل و تعامل اتحاد اسلام و جنگلی‌ها در برابر نیروهای دولتی

رویکردهای جنبش جنگل در برابر نیروهای دولتی، تابع فرازوفرودهای سیاسی و ایدئولوژیکی این جنبش بوده است؛ به‌گونه‌ای که رویکرد این جنبش در برابر دولت مرکزی، قانون اساسی و پادشاه مشروطه را می‌توان به دو دوره مجزا تقسیم نمود. در دوره اول، جنگلی‌ها که متأثر از سیاست‌های اتحاد اسلام بودند، دولت مرکزی را قانونی دانسته و مالیات خود را نیز پرداخت می‌کردند و همچنین برای پادشاه مشروطه نیز جایگاه قانونی قائل بودند. این مسئله موجب شد که حتی احمدشاه نیز توسط محارم خود جنگلی‌ها را مورد حمایت قرار دهد (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۶۲: ۱۲۳-۱۲۴)؛ زیرا جنبش جنگلی‌ها در گیلان، به معنی به چالش کشیدن برخی از دشمنان داخلی و خارجی و کم نمودن فشارهای آنان بوده است (رور، ۱۳۸۰: ۱۶۹)، اما پس از تشکیل دولت انقلابی ایران از اردیبهشت ۱۲۹۸ خ. و تسلط بلشویک‌ها بر ارکان جنبش و کنار گذاردن کوچک‌خان، عملاً چرخشی در سیاست‌های آنان پدید آمد و با اعلام جمهوری شورایی گیلان به تقابل با دولت مرکزی، قانون اساسی و پادشاهی مشروطه برخاستند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۹۸).

با توجه به تجربه ناموفق دولت‌های مشروطه، جنگلی‌ها تلاش داشتند در زمینه تأسیس دولت، به آسیب‌شناسی در این زمینه بپردازند. ایدئولوژی جنبش درباره حکومت، در ابتدا بر این محور بود که یک قوه مجریه مرکب از شخصیت‌های اهل فن و شایسته می‌تواند از فساد و تباهی جلوگیری کند؛ از این رو، کسمایی از رهبران اولیه جنبش، بر تقویت حکومت مرکزی برای ساماندهی کار مملکت تأکید داشت (آلیانی، ۱۳۸۵: ۴۴). بر این اساس، جنبش در دوره اولیه مبارزه، خود را موظف می‌دانست که تا رسیدن به وضعیت مطلوب، از دولت‌هایی که قابل تحمل باشند، پیروی کنند (سلطانیان، ۱۳۹۲: ۹۶). در نتیجه، هیئت اتحاد اسلام در سال ۱۳۳۵ ه.ق. / ۱۲۹۶ ه.ش، طی تلگرافی به دولت علاءالسلطنه، خود را تابع دستورات دولت مرکزی دانست و خواستار سرعت در افتتاح دارالشورا گردیدند (ساکما، سند ش ۵، ۱۳۸۰: ۳۵). اما با سقوط این کابینه و روی کار آمدن عین‌الدوله، جنگلی‌ها به عین‌الدوله که از نظر آن‌ها شخصی فاسد بود، روی خوش نشان ندادند؛ زیرا یکی از دلایل شکل‌گیری جنبش، مبارزه با دولت‌های فاسدی بود که در نتیجه تبانی دولت‌های خارجی و عناصر فاسد داخلی تشکیل می‌شد (ساکما، سند ش ۱۲: ۳۸). یکی از نمونه‌های دولت وابسته به انگلستان، دولت وثوق‌الدوله بود که جنگلی‌ها با وی سرسازش نداشتند و دشمنی جنبش و وثوق‌الدوله در زمان او به اوج خود رسیده بود (ساکما، سند ش ۱۲: ۳۸). با وجود کشمکش‌های دولت با جنگلی‌ها، اسناد آرشیوی نشان می‌دهد که دولت مرکزی از اهرم اتحاد اسلام جهت مقابله با نفوذ بلشویک‌ها پیش از تسلط کامل کمونیست‌ها بر ارکان جنبش استفاده می‌کرد. در تلگراف رمزی، اقتدارالملک از هیئت اتحاد اسلام می‌خواهد تا از خودسری بلشویک‌ها در انزلی و آستارا جلوگیری کند (استادوخ، ۱۳۳۶-۶۶-۲۶-۱۶). این تلگراف نشان می‌دهد که دولت برای این گروه اعتبار بیشتری نسبت به کوچک‌خان قائل بوده است. در گزارش دیگری نیز دولت از براوین، سفیر شوروی و اتحاد اسلام درخواست می‌کند که مانع از ورود گارد سرخ به تهران شود (استادوخ، ۱۳۳۶-۶۶-۲۶-۱۲). اسناد محرمانه وزارت امور خارجه نشان می‌دهند که دولت، اتحاد اسلام را بسان سدی جهت نفوذ روبه‌رشد بلشویک‌ها در اواخر جنبش می‌دانست (۱۳۳۶-۶۶-۲۶-۱۶).

۱۳۳۶). با وجود این، سیر تحولات سیاسی ایران و فرایندهای داخلی جنبش، به گونه‌ای رقم خورد که جنگلی‌ها به ناچار به بلشویک‌ها پیوستند (۱۰-۱۰-۴۳-۱۳۳۶)^۱. روزنامه جنگل که درحقیقت بازتاب‌دهنده دیدگاه‌ها و باورهای جنگلی‌ها بوده است، به جایگاه قانونی و اختیارات قانونی پادشاه تأکید دارد و در یکی از مقالات خود به این موضوع اشاره می‌کند: «گیلانی فدایی شاه است و غیر از ترقی سلطنت آن اعلی‌حضرت و حفظ این کشور قدیم مقصودی ندارد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۷). جنگلی‌ها در آمال‌های خود، خواهان پادشاه مقتدری چون پادشاه آلمان و اتریش و سایر پادشاهان دولت‌های مترقی بودند که زمینه‌های رفاه ملت و عزت و سرافرازی کشور را فراهم نمایند (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۰). جنگلی‌ها تا پیش از دو سال آخر حیات جنبش، همواره تلاش داشتند برای جلوگیری از اتهام جدایی‌طلبی و شورش در برابر دولت مرکزی، تعهد و التزام خود را به قانون اساسی، پادشاه مشروطه و استقلال و تمامیت ارضی ایران نشان دهند. کوچک‌خان در نامه‌ای نیز به روتشتین بر مواضع ایران-گرایی خود و عدم وابستگی به نیروی خارجی تأکید می‌ورزد (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۴۵). یکی از مهم‌ترین دلایل جذب گروه‌های اجتماعی و اقشار مختلف، ریشه در همین رویکرد و نگرش جنگلی‌ها داشت. آن‌ها پس از کنار گذاردن اصول اساسی مطرح شده در مرامنامه خود و انتخاب ایدئولوژی مارکسیسم، مرگ جنبش را اعلام نمودند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش رو، به تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر فرایندهای فکری و نظامی جنبش جنگل پرداخته شد. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد، حیات سیاسی جنبش را باید به دو دوره مجزا تقسیم نمود. دوره نخست که از خرداد ۱۲۹۳ تا مرداد ۱۲۹۷ خ. به طول می‌انجامد، دوره سلطه مبانی فکری و ایدئولوژی اتحاد اسلام بر تصمیم‌گیری‌های جنبش است و بسیاری از معادلات جنبش بر اساس دیدگاه‌های نخبگان فکری که اعضای کمیته اتحاد اسلام بودند، اجرا می‌شد. اما پس از ترک جناح محافظه‌کار و

^۱. استفاده از نیروی مذهبی اتحاد اسلام در برابر کمونیست‌ها، یکی از راهکارهای ابزاری دولت جهت مقابله با بلشویک‌ها بوده است. این روش، بعدها در دوره پهلوی به‌عنوان راهکاری جهت مقابله با تبلیغات مارکسیست‌ها به کار گرفته شد. تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد، این شیوه در کوتاه‌مدت به نفع حکومت انجامید، اما نتایج بلندمدت آن، یکی از دلایل اصلی سقوط حکومت پهلوی بوده است.

جدایی‌شان از جنبش و در ادامه با سلطهٔ چهره‌های بلشویک بر رأس هرم، قدرت جنبش جنگل و ماهیت ایجابی جنبش، دستخوش تغییرات اساسی شد و همین مسئله، یکی از دلایل شکست و ناکامی‌های بعدی جنبش را فراهم کرد.

عثمانی‌ها که از اوایل سدهٔ بیستم میلادی از نظر جایگاه سیاسی و نظامی در برابر اروپا در موقعیت بسیار ضعیفی قرار داشتند، به دنبال این اندیشه بودند تا با ایدئولوژی اتحاد اسلام بتوانند مواضع سیاسی و نظامی روس‌ها و انگلیسی‌ها را به چالش کشیده و به تثبیت موقعیت خود پردازند. از سوی دیگر، ملیون ایرانی که دل‌زده از روسیه و انگلستان بودند، می‌پنداشتند تا با گرایش به این ایدئولوژی که مورد حمایت کشور قدرتمند آلمان و عثمانی بود، بتوانند به تجدید حیات سیاسی و اقتدار ایران پردازند. در نتیجه جنگلی‌ها هیئت اتحاد اسلام را به‌عنوان ایدئولوژی مبارزاتی و فکری خود انتخاب نمودند؛ اما از نظر فکری دیدگاه جنگلی‌ها با اندیشهٔ جهان‌وطنی مورد تبلیغ عثمانی‌ها در ایدئولوژی اتحاد اسلام در تعارض بود؛ زیرا جنگلی‌ها در مرامنامهٔ خود، مبنای مبارزهٔ سیاسی خود را مبتنی بر ایرانیت، استقلال ایران و عدم وابستگی مطرح نمودند. این رویکرد، مورد تأیید ملیون ایرانی ساکن تهران که نخستین بارقه‌های پذیرش اتحاد اسلام را در ذهن کوچک‌خان ایجاد نمودند، نیز وجود داشت. با توجه به اینکه بعدها عثمانی‌ها از دیدگاه‌ها و رویکردهای جنگلی‌ها آگاه شدند، نه تنها حاضر به قطع همکاری با جنگلی‌ها نبودند، بلکه در مقاطعی نیز با دشواری‌های فراوان از نظر لجستیکی، نیروی نظامی در اختیار جنگلی‌ها قرار دادند؛ زیرا جنگلی‌ها با وجود عدم اجرای سیاست‌های مورد تأکید عثمانی‌ها، برای آنان همانند فرشتهٔ نجاتی بودند که می‌توانست با استفاده از موانع طبیعی گیلان، بخش عمده‌ای از نیروی نظامی انگلستان و روسیه را به خود مشغول کنند؛ در نتیجه، عثمانی‌ها و آلمانی‌ها می‌توانستند سیاست‌های خود را در خاورمیانه و قفقاز خود ا عملی سازند. از منظر جامعه‌شناسی رفتاری، بسیاری از اقدامات و توافقاتی که کوچک‌خان با عثمانی‌ها، بلشویک‌ها و حتی انگلیسی‌ها، ممکن است نشانه‌ای از ساده‌لوحی او قلمداد شود، اما با بررسی تحولات جنگل می‌توان به این نتیجه رسید که کوچک‌خان سیاستمداری عمل‌گرا بود. وی با توجه به امکانات موجود، سعی در زنده نگاه‌داشتن و تداوم جنبش جنگل داشت و گاه برای پیشبرد سیاست‌های خود، حاضر به قربانی نمودن برخی از متحدان خود نظیر آلمان و عثمانی شد. بیرون راندن نیروهای نظامی عثمانی و آلمان از جنگل پس از توافق با

انگلیسی‌ها، نشان می‌دهد که در اندیشه سیاسی کوچک‌خان، منافع جنگلی‌ها و ایران در اولویت قرار داشت و برای حفظ ایدئولوژی، حاضر به چشم‌پوشی از منافع ملی ایران نیست. این موضوع بارها در شماره‌های روزنامه جنگل مورد تأکید قرار گرفته است.

فهرست منابع و مأخذ:

الف. اسناد:

- اسناد وزارت امور خارجه ایران (استادوخ)
- ۱۰-۱۰-۴۳-۱۳۳۶
- ۱۲-۲۶-۶۶-۱۳۳۶
- ۱۶-۲۶-۶۶-۱۳۳۶
- ۲۵-۲۶-۶۶-۱۳۳۶

ب. کتاب‌ها

- آلیانی، شاهپور، (۱۳۸۵)، *نهضت جنگل و معین‌الرعايا*، تهران: فرشید.
- اتابکی، تورج، (۱۳۷۴)، *ایران در جنگ جهانی اول، آوردگاه ابردولت‌ها*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر ماهی.
- اسدآبادی، میرزا لطف‌اله، (۱۳۷۹)، *شرح حال و آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات شروق.
- اعظام قدسی، حسن، (۱۳۴۲)، *خاطرات من*، ج ۱، تهران: بی‌نا.
- افشاریان، نادر، (۱۳۹۶)، *نگاهی به گیلان در دوره قاجار*، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- الهی، صدرالدین، (۱۳۹۴)، *سید ضیا عامل کودتا*، تهران: نشر ثالث.
- بهار، ملک‌الشعرا، (۱۳۷۱)، *احزاب سیاسی در ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیات، کاوه، (۱۳۸۸)، *توفان بر فراز قفقاز*، تهران: مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- -----، (۱۳۸۷)، *پان‌ترکیسم و ایران*، تهران: نشر شیرازه و پژوهش دانش.
- پرتو، افشین، (۱۳۹۱)، *گیلان و خیزش جنگل*، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- پرسیتس، مویسی، (۱۳۹۲)، *بلشویک‌ها و نهضت جنگل*، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر شیرازه.
- پناهی، عباس، (۱۳۹۶)، *مآخذشناسی تحلیلی جنبش جنگل*، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

- حاج سیدجوادی، حسن، (۱۳۸۲)، «تاریخ تحولات سیاسی گیلان»، کتاب گیلان، به کوشش ابراهیم اصلاح عربانی، ج ۲، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران.
- دنسترویل، (۱۳۶۲)، *خاطرات ژنرال مازور دنسترویل، سرکوبگر جنگل*، ترجمه حسین انصاری، با مقدمه و فهارس علی دهباشی، تهران: کتاب فرزنان.
- دولت‌آبادی، یحیی، (۱۳۶۳)، *حیات یحیی*، تهران: انتشارات عطار و فردوس.
- دیلمی، پژمان، (۲۰۱۹)، *سیمای پنهان پوپولیست‌های رشت*، برلین: نشر گردون.
- رحیم‌زاده، صفوی، علی‌اصغر، (۱۳۶۲)، *اسرار سقوط احمدشاه*، کوشش بهمن دهگان، تهران: فردوسی.
- رور، ویلهلم، (۱۳۸۰)، *سفرنامه بازرگان آلمانی، برگهای جنگل*، ترجمه معصومه رحیم‌زاده و دکتر احمد مهرداد، گردآوری ایرج افشار تهران: پژوهش فرزنان روز.
- روسانی، شاپور، (۱۳۸۹)، *اولین جمهوری شورایی در ایران (نهیضت جنگل)*، تهران: چاپخش.
- فخرایی، ابراهیم، (۱۳۶۸)، *سردار جنگل*، تهران: انتشارات جاویدان.
- کاوه‌شالدهی، سجاد، (۱۳۹۷)، *هفت سال واقعه جنگل*، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- صبوری‌دیلمی، محمدحسین، (۱۳۹۴)، *نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل*، به کوشش افشین پرتو، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- گرکه، اولریخ، (۱۳۷۷)، *پیش به سوی شرق: سیاست خارجی آلمان در جنگ جهانی اول*، ترجمه پرویز صدری، تهران: نشر کتاب سیامک.
- کسمایی، احمد، (۱۳۸۲)، *یادداشت‌های احمد کسمایی از نهیضت جنگل*، گردآوری و تصحیح منوچهر هدایتی خوشکلام، رشت: کتیبه گیل.
- کشاورز، فتح‌الله، (۱۳۹۱)، *نهیضت جنگل و اتحاد اسلام (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)*، تهران: سازمان اسناد ملی و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور.
- کمره‌ای، سید محمد، (۱۳۸۴)، *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*، جلد اول، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، تهران: انتشارات اساطیر.
- کوچکپور، صادق، (۱۳۶۲)، *نهیضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان و قزوین*، به کوشش محمدتقی میرابوالقاسمی، رشت: گیلکان.
- سپهر، مورخ الدوله، (۱۳۶۲)، *ایران در جنگ بزرگ، ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران: انتشارات ادیب.
- عنایت، حمید، (۱۳۷۲)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.

تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر تحولات سیاسی، فکری و نظامی ... | ۲۳

- غنی، سیروس (۱۳۷۷)، برآمدن رضاخان: برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نیلوفر.
- شاکری، خسرو، (۱۳۸۶)، میلاد زخم، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: نشر اختران.
- گیلک، محمدعلی، (۱۳۷۱)، تاریخ انقلاب جنگل، رشت: نشر گیلکان.
- مصلی‌نژاد، غلامعباس، (۱۳۸۳)، جمهوری خواهی در ایران، تهران: نشر قومس.
- مهرداد، احمد، (۱۳۷۸)، گزارش‌های سفارت آلمان، برگزیده‌های جنگل، گردآوری ایرج افشار، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- میرابوالقاسمی، سید محمدتقی، (۱۳۶۹)، دکتر حشمت و اندیشه‌ی اتحاد اسلام، رشت: گیلکان.
- میرزا صالح، غلامحسین، (۱۳۶۹)، جنبش میرزا کوچک خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلستان، تهران: نشر تاریخ ایران و نشر ماه.
- نصیری‌مقدم، محمد، (۱۳۷۴)، اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- یقیکیان، گریکور، (۱۳۶۳)، شوروی و جنبش جنگل یادداشت‌های یک شاهد عینی، به کوشش برزویه دهگان، تهران: انتشارات نوین.

روزنامه‌ها

- روزنامه جنگل، به کوشش هادی میرزائزاد موحد، (۱۳۹۶)، رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا.
- روزنامه جنگل، به کوشش امیر نعمتی لیمائی، (۲۳ محرم ۱۳۳۵ / ۱۹ آبان ۱۳۹۶ / ۱ نوامبر ۱۹۱۷) ش. ۱۵.
- روزنامه جنگل، به کوشش امیر نعمتی لیمائی، (۱۵ جمادى‌الآخرى ۱۳۳۶ / ۷ فروردین ۱۲۹۷ / ۲۸ مارس ۱۹۱۸) ش ۲۸.

مقالات

- گنجینه اسناد، (۱۳۸۰)، «ویژه‌نامه نهضت جنگل»، س ۱۱، ش ۴۳، پاییز، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- سلطانیان، ابوطالب، (۱۳۹۲) «بررسی روند تغییر ایدئولوژی سیاسی جنبش جنگل و پیامدهای آن»، فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی دانشگاه تهران، دوره ۵، ش ۲، پاییز، ص ۹۳-۱۱۲.

- کاظم‌بیگی، محمدعلی، (۱۳۹۱)، «انقلاب و رقابت در سواحل جنوبی دریای مازندران، جنبش اتحاد اسلام گیلان و اتحاد ملی طبرستان»، فصلنامه تحقیقات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۲، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۷۷-۱۳۳.
- Kia, Mehrdad, (1996), "Pan - Islamism late nineteenth - century Iran", Middle Eastern Studies, Vol.32, No.1(Jan).

THE HISTORICAL STUDY OF WAR
Scientific Journal, Scientific Research Article
Vol. 4, Issue 3, No.13, Autumn 2020

The Impact of the Unity of Islam Committee on the Political, Intellectual, and Military Developments of the Jangal Movement

Abbas Panahi *

Abstract

One of the most important intellectual and political foundations of the Jangal Movement of Guilan was the ideology of the Unity of Islam. The Jangalis tried to employ Ottoman's support to downsize the pressure exerted by Russia and Britain. However, later in practice Kuchakkhan proved that he was not willing to ignore Iran's national interests to the benefit of the ideology of Ottomans. That said, the questions that arise are what motivations and aims were behind the alignment of the Unity of Islam Committee with the Jangal Movement, and what achievements this cooperation resulted in. The findings of this descriptive-analytical study, that takes a historical approach, show that the political and intellectual defeats of idealist and anti-alien constitutionalists on the one hand and the ever-growing dominance of Russia and Britain on the other hand brought about the Jangal Movement's enjoyment of economic, intellectual, and military supports of the Unity of Islam Committee with the support of German and Ottoman-leaning intellectuals and by the use of the ideology of the Unity of Islam. Despite the union between the Jangalis and the ideology of the Unity of Islam, Kuchakkhan founded his policies on the basis of Iran's independence. Yet, the cooperation of the members of this movement with the Unity of Islam Committee can be considered a political tactic adopted by them.

Keywords: Unity of Islam, ideology, the Jangal Movement, Ottoman.

* Faculty Member, Department of History, Institute for Guilan Studies, University of Guilan; Email: apanahi@guilan.ac.ir.
| Received: May 9, 2020; Accepted: September 13, 2020|